**نامه ای درباره قنات**

**افشار، ایرج**

ویسابدن آلمان- HOTEL BLUM (2 تیر 25636) ...شمارهء چهارم(تیرماه)را با خود به سفر آورده‏ام.چون آخرین قسمت نامه‏های‏ مینورسکی به تقی‏زاده را که برای چاپ داده بودم حین چاپ نخوانده بودم و غلط گیری‏ نکرده بود خواندم.بعلت آنکه مقداری از غلطهای آن حتما باید اصلاح شود مستدعیم این‏ یادداشت را درج فرمائید:

ص 212 س 4:کمال نادرست و کحال درست است.

ص 212 س:بخوابم غلط و«بخوانم»درست است،در همین سطر Iritis .

ص 212 س 18:1942 صحیح است.

ص 212 س آخر:«شلیک»املاء مینورسکی است.او خواسته است که لام مشدد را با ضبط دو«لام»مشخص سازد.

ص 213 س 19: Bygentinoturcico درست است.

ص 215:در کلمات لاتین le از کلمهء بعد جدا شود، Columbia درست است، ؟؟؟اصلاح شود.

ص 216 س 24:ولاکن(کذا)درست است.در اولین حاشیهء همین صفحه نام کتاب‏ A Locust?s leg درست است.

ص 229 س 20 M?lchenfur و در همین صفحه سطر 25 Bosworth درست است. دو روزی است که به ویسبادن آمده‏ام.مقصودم سرکشی به مؤسسه عظیم اتو هاراسوویتز Otto Harrassowitz که از ناشران و کتابفروشان مشهور آلمان است و قسمتی از کارش‏ به فروش و نشر کتب شرقشناسی اختصاص دارد و مدیر قسمت آسیائی آن دوست دیرینه‏ام آقای‏ فلیکس ویگل F.Weigel است.

این مؤسسه کتابهای جدیدی را که در زمینه‏های مختلف شرقشناسی در اقطار عالم نشر می‏شود تهیه و پخش می‏کند.عده‏ای از کتابخانه‏های معتبر ایران انتشارات جدید را بوسیلهء این‏ مؤسسه دریافت می‏کنند.گاهی هم نسخه‏های خطی به دست می‏آورد که اغلب به دست‏ مجموعه‏داران و کتابخانه‏های پولدار جهان می‏رسد.

فهرست‏هایی که از این مؤسسهء هرچند یکبار انتشار می‏دهد حاوی نام و نشان اکثر کتابهای تازه‏ای است که در موضوعهای شرقی و اسلامی نشر می‏شود.پارسال فهرستی خاص‏ مطالعات ایرانی انتشار داد و متعاقب آن نمایشگاهی ازین کتابها را در دانشگاه ملی(تهران) و دانشگاه اصفهان تشکیل داد که بسیار مورد توجه قرار گرفت.علاقه‏مندان می‏توانند به‏ \*چون مطالب نامه ایرج افشار از آلمان مربوط به ادب و فرهنگ کشور و محققان‏ جهان است عینا چاپ می‏شود.(یغما)

آسانی و رایگانی از آقای وایگل بخواهند که فهرست‏ها را مرتب برایشان بفرستد.نشانی‏ این مؤسسه به شرح زیرست:

Otto Horrassowitz

WIESBADEN,GERMANY

بهر تقدیر دو نیمه روز را لابلای قفسه‏های کتب جدید این مؤسسه گذراندم تا کتابهائی‏ را که کتابخانهء مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران ندارد تهیه کنم.مخصوصا این بار کوشیدم از کتب مربوط به عثمانی و آنچه بیشتر یادآور روابط گذشته میان آن سرزمین و ایران است انتخاب کنم.درین«گشت کتابها»صدها کتاب تازه و نادیده دیدم و حیرت بر حیرت‏ انبار می‏شد.

آنچه بیشتر بر حیرتم افزود رساله‏ای عالمانه و دقیق بود دربارهء قناتهای تهران که‏ سه سال پیش در شهر بن Bonn انتشار یافته است و لابد تألیفش چند سال پیش‏تر از آن انجام‏ شده بوده است.لذا طبعا بر تدقیقات شیرین و خواندنی باستانی پاریزی که از لحاظ روشن‏ شدن وضع تاریخی و تأثیرات مدنی و اقتصادی پرارزش است فضل تقدم دارد.پس جا دارد که نام‏ و نشان آن را به اطلاع باستانی پاریزی برسانم.مؤلف رساله Cornel Braun نام دارد و نام‏ رساله‏اش اگر از غلط چاپی عاری بماند چنین است:

 بطوری که ملاحظه می‏فرمائید کتاب در باب قنوات تهران،مراکش و مادریست.مؤلف‏ مطالعهء خود را درین سه منطقه انجام داده است.این مطالعه در دو قسمت است.قسمت اول‏ مطالبی است تاریخی و کلی درباب این ابداع بشری و اهمیت تاریخی و مدنی و اقتصادی و اجتماعی آن.درین بحث کلی قسمتی هم به وجه تسیهء قنات و کاریز اختصاص یافته است و بحثی‏ و وصفی از کتاب کرجی در دنبال آن آمده است.

قسمت دوم کتاب وضع قنوات و تریبات حفر و حدود و حریم آنها در هریک از سه منطقهء طهران،مراکش و مادرید را در بر دارد و برای هر منطقه چندین نقشه از وضع مسیر قنوات و تقاطع آنها ترسیم شده است.

ارزش این نوع تحقیقات که قدر آنها همیشه میان ما مجهول بوده است و نیز بی‏خبری‏ استادان و عالمانمان که به تجسسات و تدقیقات دیگران توجهی ندارند نکته‏ای را از خاطرم‏ گذراند که می‏نویسم و با دعا در حق شما و باستانی نامه را ختم می‏کنم.

در مجلس ترحیم خان بهادر معین که یکی از متعینین یزد بود و امور انگلیسها را وقتی‏ که در یزد قنسولگری داشتند انجام می‏داد،واعظی گفته بوده است:واللّ?ه باللّ?ه که شما مردم قدر خان‏ بهادر را ندانستید.انگلیسها قدر او را میدانند!و من باید عرض کنم که قدر این قنوات را که نموداری از ذوق ابتکاری و قدرت ابداعی شرقیان است وزارت کشاورزی ایران ندانست‏ و خارجیان می‏دانند.خدا جلال بقائی نائینی را هم سلامت بدارد که حق مطلب را در قطعه‏ای که‏ بمناسبت خشک شدن قنوات نائین سروده است ادا کرده و بهتر و لطیف‏تر از آن نمی‏شود...